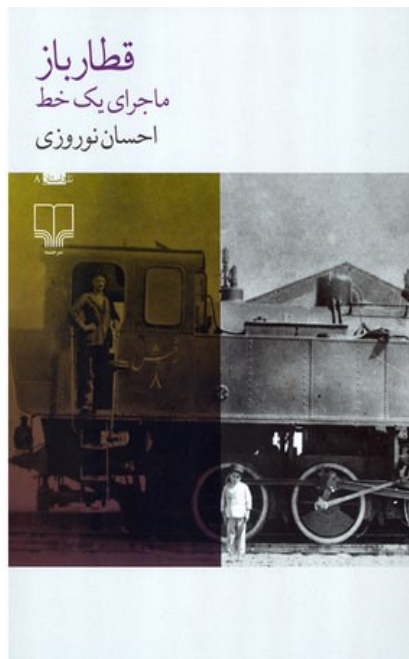


رمان قطارباز
احسان نوروزی
نشر چشمه



نشر چشمه در تهران به تازگی رمانی به نام «قطارباز» (ماجرای یک خط) از احسان نوروزی منتشر کرده که در ۲۷۵ با شمارگان ۷۰۰ نسخه و بهای ۲۵ هزار تومان در دسترس مخاطبان قرار گرفته است.

در نوشته پشت جلد کتاب آمده است: در خیلی از زبان‌ها و فرهنگ‌ها برای آدمی همچو من اسم مشخصی دارند. انگلیسی‌ها صدای‌شان می‌زنند trainspotter یا قطاریاب، فرانسوی‌ها از پسوند پاتوس به معنی بیماری استفاده می‌کنند و این جماعت را ferrovipathe یا مریض آهنین می‌نامند. در زبان اردو به‌شان می‌گویند «ریل کی شیدایی» یا همان شیدای ریل. اما وقتی این‌جا از قصدم برای این سفر باخبر شدند، مؤدب‌ترین‌شان «خل مشنگ» خطابم کرد. (از متن کتاب)

«قطارباز» سفر ریلی به دل تاریخ ایران و رویای راه‌آهن است. در حالی که مشاهدات مسافر امروزی در کنار خاطرات و اسناد تاریخی گذشتگان درباره تأسیس راه‌آهن نشانده شده تا شاید

تصویری ترسیم شود از مسیری که برای تحقق این رویا پیموده شده است. «قطار باز» کندوکاوی است در تحقق یک رؤیا.

بخشی از رمان قطار باز

در خیلی از زبان ها و فرهنگ ها برای آدمی همچو من اسم مشخصی دارند. انگلیسی ها صدای شان می زنند. «trainspotter» (قطاریاب) یا «anorak»، امریکایی ها می-گویند «train buff»، فرانسوی ها از پسوند پاتوس به معنی بیماری استفاده می کنند و این جماعت را «ferrovipathe» یا مریض آهن می نامند. در زبان اردو به شان می گویند «ریل کی شیدایی» یا همان شیدای ریل. اما وقتی این جا از قصدم برای این سفر باخبر شدند، مودب ترین شان «خل مشنگ» خطابم کرد.

عجیب این که، خود جماعت راه آهنی سخت تر از همه باورشان می شد کسی پیدا شده که این دم و دستگاه برایش جالب باشد. و تقریباً سوال همه این بود که چه پولی در این پروژه خوابیده است. غافل از این که قطار باز به همین لذت بی خرج و عبث خوش است، به همین کیف ساعت ها نشستن کنار راه آهن و انتظار برای عبور چندثانیه ای قطار، به ارتعاش ریل ها وقتی خبر از نزدیک شدنش می دهند، به تندبادی که با خودش می آورد و اگر خوش اقبال باشی سوتی ممتد، یا حتا تکان دست لکوموتیوران. کسانی هستند که صدایش را ضبط می کنند یا عکس و فیلم می گیرند، کسانی هستند که اسم مدل های لکوموتیوها را می دانند و مسلط به امور فنی اش هستند؛ اما بیشترمان این لحظات را فقط مبهوت می مانیم و پلک نمی زنیم و نفس حبس می-کنیم. شاید به خاطر همین است که قطاریاب به مرور در زبان انگلیسی معنی آدم بی کاره و علاف پیدا کرده است. اما روزگار رونق قطار بازی سپری شده است. در اوایل قرن بیستم و اوج قطارهای بخار، هر لکوموتیو منحصر به فرد بود، و تک تک طراحی و ساخته می شد.

تهیه کتاب قطار باز از نشر چشمه

<https://cheshmeh.eu/products/%D9%82%D8%B7%D8%A7%D8%B1%D8%A8%D8%A7%D8%B2>

به زودی رمان «هیچ دوستی جز کوه‌ها: نوشته‌هایی از زندان مانوس»
 اثر بهروز بوچانی
 پناهنده ایرانی زندانی در جزیره ای در استرالیا
 و برنده جایزه ادبی استرالیا



بهروز بوچانی که در جزیره‌ی مانوس گینه‌ی نو در بازداشت است رمان «هیچ دوستی جز کوه‌ها» را که برنده‌ی گران‌ترین جایزه‌ی ادبی استرالیا شده در ایران منتشر می‌کند.

این پناهجوی ایرانی در جزیره‌ی مانوس نسخه‌ی فارسی رمان خود را برای انتشار در اختیار نشر چشمه قرار داده است؛ رمانی که ترجمه‌ی انگلیسی‌اش او را به شهرت رسانده حالا در وطن خودش نیز منتشر خواهد شد.

ناشر در معرفی این نویسنده و کتابش عنوان می‌کند: بهروز بوچانی که چندی پیش به خاطر نوشتن رمان «هیچ دوستی جز کوه‌ها: نوشته‌هایی از زندان مانوس» برنده‌ی جایزه‌ی مهم ادبی ویکتوریای استرالیا شده بود، این رمان را روی واتساپ نوشته و بعد برای ترجمه به دوستش امید توفیقیان داده بود. ترجمه‌ی رمان او که باعث شد هم جایزه‌ی معتبر ویکتوریای استرالیا را برود، هم بیش از پیش به چهره‌ای معترض علیه سیاست‌های هولناک دولت استرالیا علیه پناهجویان غیرقانونی تبدیل شود فروش فوق‌العاده‌ای در جهان انگلیسی‌زبان پیدا کرد. هرچند او اجازه نیافت در مراسم مختلفی که برای این کتاب برگزار شد حضور پیدا کند.

بوچانی متولد ایلام است، روزنامه‌نگار و فعال حقوق بشر که پنج سال پیش با قایق از اندونزی به سمت استرالیا مهاجرت کرد و به دست گارد ساحلی به جزیره‌ی هولناک مانوس برده شد؛ جزیره‌ای که عملاً یک زندان تمام‌عیار است. بوچانی در گفت‌وگوهای متعددش از جمله با گاردین از شرایط وحشتناک زندگی در مانوس گفته. هرچند او هنوز هم محصور این جزیره است و از طریق موبایل با جهان خارج در ارتباط. او رمان را تکه‌تکه برای دوست خود ارسال می‌کرده و او نیز بعد ترجمه به انگلیسی توانسته منتشرش کند.

بوچانی نسخه‌ی اصل و فارسی رمان را به تازگی در اختیار ناشر گذاشته و ناشر امیدوار است در آینده‌ای بسیار نزدیک آن را منتشر کند. رمانی که به فارسی نوشته شده و ترجمه‌اش جایزه‌ی صدهزار دلاری ویکتوریا را از آن خود کرده. رمانی که برگرفته از تجربه‌ی این پنج سال زیست او است.

ماهنامه‌ی ادبی هنری «عصر جمعه» به تازگی در تورنتو



شماره‌ی اول (فوریه) مجله‌ی عصر جمعه به سردبیری رضا کاظمی و دبیر سرویس‌های نام‌آشنا و حرفه‌ای، همراه با آثاری از بزرگان ادبیات و هنر ایران و جهان، در ۸۰ صفحه، قطع رقعی، و به صورت کاغذی در مونترآل منتشر شد.

در این شماره مطالبی از: سید علی صالحی، هرمز علیپور، شمس لنگرودی، عباس صفاری، واهه آرمن، رضا چایچی، بهاره رضایی، رویا صدر، افشین سبوی، جمال رحمتی، محمد یعقوبی، غلامرضا صراف، الیاس علوی، فرهاد بابایی، محمدرضا سالاری، سیدمهدی موسوی، فاطمه اختصاری، ساییر هاکا، رضا کاظمی، بابک زمانی، سینا بهمنش، بهرننگ قاسمی، پیمان سلیمانی، حسن آذری، مهرداد نصرتی، داود منصوری، مهیار مظلومی،... و بسیاری دیگر از شاعران و نویسندگان ایران و جهان خواهید خواند.

این مجله را در مونترآل می‌توانید از «کافه آنجا» «کافه ترنج» و «کتابخانه‌ی نوروز زمین» تهیه کنید. برای درخواست کنندگان (چه در مونترآل و چه در کل کانادا) به صورت اشتراک سالیانه، به طریق پست رایگان ارسال خواهد شد. در ضمن برای سایر کشورها (چه تک نسخه و چه اشتراک) با احتساب هزینه‌ی پست خواهد بود. در ضمن نحوه‌ی تهیه‌ی آن در ایران نیز در نوشته‌ی تصویر سوم آمده است.

قیمت مجله‌ی عصر جمعه در خارج از ایران ۱۰ دلار کاناداست، و در ایران پانزده هزار تومان. برای حیات و تداوم این حرکت فرهنگی، از این مجله حمایت کنید. چه با اشتراک سالیانه و چه با خرید تک نسخه‌ای.